



استعاره و کارکرد آن در گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی (با تکیه‌ی بر دانشجویان فارسی زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)

غلام حسن اورکی*

دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسؤول)

الخاص ویسی

دانشیار گروه زبان شناسی، دانشگاه پیام نور ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۱۲

چکیده

استعاره، از مهم‌ترین پدیده‌های زبانی است که مورد توجه علما، فلاسفه و ادبا و اخیراً زبانشناسان واقع شده است. با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله که بخشی از پژوهشی وسیع درباره‌ی بررسی کاربرد نظریه‌ی معاصر استعاره^۱ (۱۹۹۲) لیکاف^۲ در تبیین ساختارهای استعاری زبان روزمره است، می‌کوشیم با توجه به مبانی این چارچوب نظری که بر درک

^۱The contemporary theory of metaphor

^۲George Lakoff

مفاهیم انتزاعی از طریق کاهش در مقیاس بشری تاکید دارد، کارکرد فرایند استعاره را در گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی با تکیه بر جامعه‌ی آماری پژوهش محک بزنیم. بدین منظور، نگارندگان به صورت تصادفی، پنجاه نفر از دانشجویان را گزینش کرده، به روش میدانی ۳۰ ساعت از مکالمه‌ی آنان را در سه بافت زبانی متفاوت و در طول ۳ ماه ضبط و گردآوری کردند. پس از نگارش داده‌های زبانی، تعداد ۱۲۲ عبارت استعاری استخراج گردید که با تحلیل داده‌ها، مشخص گردید؛ بخش قابل توجهی از گفتار نمونه‌ی آماری تحقیق، استعاری است و انواع استعاره‌های مفهومی در گفتار آنان دیده می‌شود؛ در این میان استعاره‌ی ساختار رویداد، بیشترین بسامد وقوع و استعاره‌ی جهت‌ی کمترین بسامد وقوع را داشته است. در نتیجه، ادعای لیکاف (۱۹۹۲) مبنی بر جهانی بودن این نظریه در مورد زبان فارسی تأیید شد. در نهایت معلوم گردید بافت زبانی^۳، تأثیری مستقیم بر کاربرد استعاره در گفتار روزمره دارد. به عبارت دیگر هر چه بافت جنبه رسمی تری داشته باشد، استعاره در گفتار کمتر و هر چه جنبه‌ی غیر رسمی یابد استعاره بیشتر می‌شود.

کلید واژگان: استعاره، زبان شناسی شناختی، نظریه‌ی معاصر استعاره،

زبان فارسی

مقدمه

استعاره از جمله مباحثی است که از دیرباز مورد توجه فلاسفه، عالمان علم بلاغت و خطابه و سایر پژوهشگران بوده است. اخیراً زبان شناسان، مردم شناسان و حتی پژوهندگان آموزش و پرورش نیز به این مبحث پرداخته‌اند. باید دانست که قبل از پرداختن زبان شناسان به مبحث استعاره، بررسی آن در طول چندین قرن گذشته، از حدّ یک آرایه‌ی ادبی فراتر نمی‌رفت و همه‌ی مطالعات گاهی با بیان تقسیمات آن و یا

^۳ Linguistic context

تمایز دادن آن از سایر صناعات کلامی و گاهی نیز با بیان تاریخچه‌ی شکل‌گیری آن، پایان می‌پذیرفت. اما از زمان طرح معنی‌شناسی از سوی برآل^۴ در کتاب «رساله‌ای در معنی‌شناسی» (۱۸۸۴)، مبحث استعاره به عنوان یک مسأله‌ی زبانی مورد توجه قرار گرفت. در نخستین مرحله‌ی مطالعات معنی‌شناسی که جنبه‌ی تاریخی داشت، استعاره در اصل به عنوان دلیل ممکن تغییرات معنایی مدّ نظر قرار گرفت. قدمت بررسی فرایند استعاره در حوزه‌ی علوم بلاغی، به دیدگاه ارسطو بر می‌گردد که تمام نظریات بعدی در زمینه‌ی استعاره را تحت الشعاع قرار داده بود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت که سایر پژوهشگران علاقه‌مند به این موضوع، تنها نظریه‌ی ارسطو را به شیوه‌های مختلف بیان کرده‌اند.

در حوزه‌ی زبان‌شناسی نیز در نخستین سالهای قرن بیستم، تحت تأثیر فلسفه‌ی اثبات‌گرایی توجه‌چندانی به استعاره نمی‌شد، اما پس از دهه‌ی هفتاد به ویژه پس از پیشرفت مطالعات کاربردشناسی موضوع استعاره به عنوان نوعی بیان غیر مستقیم در کانون توجه زبان‌شناسان قرار گرفت و از جهات گوناگون مورد کنکاش قرار گرفت. کسانی همچون سیداک^۵ و سرل^۶ به تحلیل‌های کاربردشناسی در زمینه‌ی استعاره پرداختند. کسانی دیگر مانند کوهن^۷ و روملهارت^۸ به تحلیل‌های معنایی و روان‌شناسی در زمینه‌ی استعاره پرداختند و در این میان، تحلیل ماکس بلک^۹ را می‌توان مرز مشترک تحلیل‌های کاربردشناسی و تحلیل‌های شناختی دانست. از سوی دیگر ردی و جورج لیکاف نیز، استعاره را از منظر شناختی مورد بررسی قرار دادند. در ادامه‌ی تحلیل‌های زبان‌شناسانه‌ی استعاره، بالاخره در سال (۱۹۸۰) جورج لیکاف و مارک جانسون با انتشار

^۴ M. Breal

^۵ J.I. Sadock

^۶ John Searle

^۷ L.J. Cohen

^۸ Rumelhart

^۹ M. Black

کتابی تحت عنوان «استعاره هایی که با آنها زندگی می کنیم»^{۱۰} دیدگاه نوینی را در مورد استعاره مطرح ساختند. در این دیدگاه، استعاره از سطح یک مقوله‌ی زبانی، ارتقاء یافته به عنوان یک فرایند که اساس تفکر و رفتار آدمی را تشکیل می دهد، در نظر گرفته می شود.

لیکاف (۱۹۹۲) در جهت تکامل بخشیدن به نظریات قبلی خود درباب استعاره «نظریه‌ی معاصر استعاره» را مطرح ساخت که بر اساس آن، استعاره صورت ثانوی و تحریف شده‌ی زبان به شمار نمی آید و به معانی واژگان مربوط نمی شود، بلکه با نحوه‌ی مفهوم سازی پیوند یافته و نوعی فعالیت تعبیری است که میان دو قلمرو یا حوزه‌ی مبدأ^{۱۱} و مقصد^{۱۲} به وجود می آید؛ به سخن دیگر، استعاره در این دیدگاه از یک واژه یا عبارت ساخته نمی شود بلکه از شباهت هستی شناختی و معرفت شناختی میان دو حوزه‌ی مفهومی مبدأ و مقصد پیدا می شود. از این رو استعاره در سطح زبان در نظر گرفته نمی شود بلکه به اندیشه بشر مربوط می شود و نقش زبان در این امور ثانوی است.

همچنین در این نظریه، استعاره، در واقع درک و تجربه‌ی مفهومی بر حسب مفهوم دیگر است و از آنجایی که تصورات استعاری، اساس تفکر و رفتار آدمی را تشکیل می دهند، تفکرات و تجارب هر ملت خاص همان ملت است، و شیوه‌ی بازتاب آنها در زبان ها، فرهنگ ویژه است. بنابراین تشکیل تصورات استعاری در هر زبان با زبان های دیگر متفاوت خواهد بود. اهمیت پژوهش در این است که استعاره، بخش مهمی از ارتباط های گفتاری و کلامی را تشکیل می دهد و آن قدر طبیعی وارد زندگی مردم می شود که ممکن است در عمل جلب توجه نکند. بر این اساس پژوهش حاضر تلاش مختصری در زمینه‌ی شناخت جایگاه استعاره و تبیین عملکرد آن در گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی با تکیه‌ی بر جامعه‌ی آماری پژوهش است. بدین منظور نگارندگان مقاله، با

^{۱۰} Metaphor we live by

^{۱۱} Target domain

^{۱۲} Source domain

انتخاب یک نمونه از جامعه آماری مورد نظر، در جهت اثبات هدف تحقیق، به تحلیل و توصیف ساختارهای استعاری گفتار روزمره‌ی آنان بر پایه‌ی رویکرد شناختی نظریه‌ی معاصر استعاره و انواع استعاره‌های مفهومی^{۱۳} لیکاف و جانسون^{۱۴} (۱۹۸۰) پرداخته اند.

پیشینه‌ی پژوهش

استعاره، از دیرباز مورد توجه بسیاری از فلاسفه، ادبا و اخیراً زبان شناسان قرار گرفته است. نخستین مطالعات در باب استعاره قدمتی ۲۵۰۰ ساله دارد و مربوط به آراء افلاتون و پس از او ارسطو است که در دو کتاب فنّ شعر و فنّ خطابه به درباره‌ی استعاره در زبان و نوع کاربرد آن مطالبی نوشته و در آن‌ها به تشریح استعاره پرداخته است.

در میان متفکران اسلامی دقیق ترین تعریف از استعاره را عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ه. ق) در کتاب معروف اسرار البلاغه به میان آورده است .

در ادبیات فارسی نیز دکتر سیروس شمیسا (۱۳۷۲) درباره استعاره می گوید: «استعاره عالی ترین نوع تشبیه به شمار می رود و آن در شرایطی است که از ارکان تشبیه یعنی مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه، تنها مشبه به به کار می رود. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۸)

زبان شناسی شناختی در مطالعات خود، نقش عمده ای را برای استعاره قائل است و آن را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبانی می داند. با توجه به این مهم، استعاره به عنوان یک زمینه‌ی پژوهشی مورد توجه پژوهشگران زیادی در چارچوب این رویکرد واقع شده است. نخستین مطالعات مربوط به استعاره در رویکرد شناختی همان نظریه‌ی معروف جورج لیکاف (۱۹۹۲) به نام «نظریه‌ی معاصر استعاره» است. در ایران نیز در همین راستا، پژوهش‌هایی در قالب مقالات و پایان نامه‌ها و بیشتر به صورت میان رشته ای انجام شده است .

^{۱۳} Conceptual metaphor

^{۱۴} M.Johnson

مشعشی (۱۳۷۹) پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به بررسی استعاره زمان در زبان فارسی پرداخته است و انواع استعاره های مفهومی را با مثال در زبان فارسی بررسی کرده است .

گلفام و دیگران (۱۳۸۸) تحقیقی در باب بررسی استعاره در شعر نو از دیدگاه شناختی نگاشته است این نتیجه حاصل شده که در شعر فروغ فرخ زاد استعاره های قرار دادی زمان بسط می یافته و با ویژگی های جدید همراه شده، استعاره های کاملاً نوخلق می شوند. از بررسی های استعاره در متون دینی از جمله قرآن کریم در چارچوب شناختی می توان به پوراابراهیم (۱۳۸۸) اشاره کرد که در پژوهشی، انواع استعاره های مفهومی را در پانزده جزء نخست قرآن کریم بررسی کرده و در پایان با بهره گرفتن از نظریه‌ی معاصر استعاره و تقسیمات مفهومی به تحلیل آیات پرداخته است .

کرد زعفرانلو (۱۳۸۹) مقاله ای تحت عنوان « استعاره های جهتی قرآن» با رویکرد شناختی نگاشته است که در آن مشخص شده است، در زبان قرآن مفاهیم ارزشی زیادی در حوزه‌ی مقصد وجود دارد که با انطباق حوزه‌ی مبدأ «مکان» بر آنها تصویر سازی و ارزش آنها مشخص می شود و از طریق استعاره های جهتی قابل درک هستند.

قائمی نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی با موضوع «نقش استعاره های مفهومی در تفکر دینی» به تحلیل شناختی جایگاه و نقش تأثیر گذار استعاره در خلق اندیشه های جدید و جهت دهی به تفکر دینی و به تبع آن تأثیر استعاره در اندیشه و جهان بینی اسلامی پرداخته است. و در نهایت این پژوهش نیز به دنبال تبیین کارکرد فرایند استعاره در کلام گویشوران فارسی زبان در چارچوب معناشناسی شناختی و با تکیه بر مبانی نظری «رویکرد معاصر استعاره» است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

مبحث استعاره، اغلب در محدوده‌ی زبان ادبی و شعری مطرح و کمتر به جایگاه کاربرد آن در زبان به صورت جزء لاینفک گفتار روزمره‌ی مردم توجه می شد، اما پس از انتشار

کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم» (۱۹۸۰) دیدگاه نوینی نسبت به استعاره پدید آمد و از قلمرو استعاره در فکر، زبان و زندگی روزمره‌ی مردم پرده برداشت. در راستای تکمیل همین مطالعات، جورج لیکاف (۱۹۹۲) «نظریه‌ی معاصر استعاره» را ارائه کرد. مطابق این نظریه، استعاره‌ی شناختی از استعاره‌ی سنتی به تعبیر ارسطو و دیگر ادیبان متفاوت است. استعاره در این دیدگاه، گونه‌ای از یک تشبیه نیست، بلکه از مفاهیم بنیادین ذهن بشری در نظر گرفته می‌شود.

در واقع فرایندی شناختی است که در آن نوعی الگو برداری از حوزه‌ی عینی (ملموس) مبدأ به حوزه انتزاعی (مجرد) مقصد صورت می‌گیرد. این الگو برداری به استعاره اجازه می‌دهد تا الگوی ساخت‌های استعاری بعدی قرار گیرد. مثلاً در استعاره‌ی «اندیشه غذاست». حوزه‌ی مفهومی^{۱۵} اندیشه در واقع حوزه‌ی مقصد (محسوس) است و حوزه‌ی مفهومی غذا حوزه‌ی مبدأ (انتزاعی) است. در این استعاره حوزه‌ی مقصد براساس حوزه‌ی مبدأ فهمیده می‌شود. آن‌چه در استعاره‌ی مفهومی روی می‌دهد، نگاشت^{۱۶} دو حوزه است به عبارت واضح‌تر؛ اگر به رابطه‌ی متناظر عناصر یک حوزه‌ی مفهومی با عناصر حوزه‌ی مفهومی دیگر توجه کنیم، در میان این حوزه‌های مفهومی، نگاشت‌هایی به وجود می‌آید؛ یعنی عناصری از حوزه‌ی مبدأ بر عناصری از حوزه‌ی مقصد نگاشته یا فرافکنده می‌شوند. چنانکه در استعاره‌ی بالا، نگاشت ویژگی‌های عناصر حوزه‌ی مبدأ (غذا) در حوزه‌ی مقصد (اندیشه)، وقوع جملات استعاری دیگری را از قبیل «احمد کتاب را قورت داد.» و «تفکراتش برای من قابل هضم نیست.» در زبان فارسی موجب شده است. در هر یک از این نمونه‌ها، هر استعاره دارای یک حوزه‌ی مبدأ، یک حوزه‌ی مقصد و یک نگاشت مبدأ بر مقصد است.

روشن (۱۳۹۲) به نقل از کووچش (۲۰۰۲) بیان می‌دارد که رایج‌ترین قلمروهای مبدأ در نگاشت‌های استعاری، قلمروهای مربوط به اعضای بدن انسان، گیاهان و نیروهاست و

^{۱۵} Conceptual domain

^{۱۶} Mapping

قلمروهای مقصد نیز مقوله های مفهومی، فکر، روابط انسانی، زمان، جهات و اخلاق و عواطفند.

به عبارت دیگر مفاهیم تجربی شامل مجموعه ای از روابط مکانی نظری (بالا/پایین، جلو/عقب و...)، مفاهیم هستی شناختی فیزیکی (موجود، ظرف و...) و مجموعه ای از تجربیات و فعالیت های اساسی (خوردن / حرکت کردن و...) مبنای ادراک مفاهیم انتزاعی و ناملموس قرار می گیرند.

لیکاف در ادامه ی مطالعات خود استعاره های مفهومی را در سه طبقه قرار می دهد که در اینجا به طور مختصر به آن ها اشاره می شود: الف) استعاره های جهتی یا حدوث موقعیت^{۱۷} استعاره هایی هستند که بر پایه تجربیات فیزیکی و فرهنگی انسان ها شکل می گیرند.

اساس تشکیل آنها موقعیت هایی همچون؛ بالا-پایین، درون- بیرون، جلو-عقب، عمیق- کم عمق و مرکزی- پیرامونی می باشند. در زبان فارسی نگاشت استعاری «زیاد بالاست.» عبارات استعاری زیر را تحقق بخشیده است:

الف- نرخ تورم امسال خیلی بالا بود.

ب - چربی خونم بسیار بالا رفته است.

ج- تحملش بالا رفته.

د - هوشیاری وی بالاست.

همان گونه که مشاهده می گردد، جملات الف- د، مطابق نگاشت استعاری فوق که خود برگرفته از تجربیات زندگی بشر است، در زبان روزمره، شکل گرفته اند، یعنی مفاهیم انتزاعی در قالب مفاهیم ملموس که ریشه در تجارب زندگی روزمره دارد، در این جملات استعاری نمود یافته است. ب) استعاره های وجودی یا هستی شناختی^{۱۸} در این استعاره ها، مفاهیم و تجاربمان را در قالب اشیا و مواد و چیز های مستقل درک می کنیم، بر اثر

^{۱۷} · Orientation metaphor

^{۱۸} · Ontological metaphor

شکل‌گیری این استعاره‌ها، ذهن، پدیده‌ها و تصورات انتزاعی را به صورت اجزا و مواد مفهوم‌سازی می‌کند. دو نمونه‌ی شاخص این نوع استعاره‌ها، استعاره‌های ظرف و شخصیت‌بخشی هستند. به عنوان مثال در جمله‌ی «سرطان زندگی او را گرفت.» درک مفهوم انتزاعی سرطان از طریق ارتباط با ویژگی‌های انسانی صورت پذیرفته است.

ج) استعاره‌های ساختاری یا ساختار رویداد^{۱۹} استعاره‌هایی هستند که در آن‌ها یک مفهوم بر اساس مفهوم دیگر، فهمیده و تجربه می‌شود، به عبارت دیگر؛ در این استعاره‌ها یک مفهوم در قالب مفهوم دیگر بیان می‌شود. ساختار دقیق‌تصوری که در حوزه مبدأ قرار گرفته، به ساختار مفهومی انتزاعی مقصد بازتاب می‌شود و نوعی الگوبرداری میان حوزه‌ی انجام می‌شود. برای درک ماهیت این استعاره، نمونه‌های زیر را در نظر می‌گیریم:

الف) وقت طلاست. ب) کار سرمایه‌جاودانی است. ج) دنیا کاروان سرا است.

بر اساس نمونه‌های بالا می‌توان گفت که نوعی رابطه‌ی تناظر میان حوزه‌ای دیده می‌شود که بر اساس آن درک مفاهیم انتزاعی و نامحسوس «وقت»، «کار» و «دنیا» به عنوان حوزه‌های مبدأ با الگوبرداری از مفاهیم محسوس و تجربی «طلا»، «سرمایه» و «کاروان سرا» به عنوان حوزه‌های مقصد، فهمیده می‌شوند. اکنون که مبانی چارچوب نظری پژوهش تشریح شد، اهتمام پژوهش حاضر بر آن است که با استناد به مؤلفه‌ها و مبانی رویکرد شناختی استعاره به تبیین کارکرد فرایند استعاره در گفتار روزمره‌ی دانشجویان فارسی زبان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ در موقعیت‌های گفتاری متفاوت، پرداخته تا به تعمیم نتایج تحقیق آن در زبان فارسی دست یابد.

^{۱۹}. Structural metaphor

۴. روش شناسی پژوهش

نگارندگان در چارچوب مبانی نظریه‌ی معاصر استعاره لیکاف (۱۹۹۲) و با هدف تبیین کارکرد استعاره در گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی زبان، از میان دانشجویان فارسی زبان مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، در سال تحصیلی (۹۴-۹۵)، تعداد ۵۰ نفر را به شیوه‌ی تصادفی به عنوان نمونه‌ی آماری مورد نظر برگزیدند. با شناسایی و کنترل جامعه آماری، نزدیک به ۳۰ ساعت از مکالمه‌ی آنان در طی ۳ ماه متوالی و در سه بافت زبانی متفاوت یاد شده در زیر ضبط و گردآوری شد:

الف - بافت اول: تعامل و گفتگوی دانشجویان با یکدیگر در پایان جلسه‌ی امتحان.

ب - بافت دوم: تعامل و گفتگوی دانشجویان با استاد در ضمن کلاس درس.

ج - بافت سوم: تعامل و گفتگوی دانشجویان با یکدیگر در ساعات فراغت در خوابگاه دانشجویی.

در ادامه‌ی کار تحقیق، داده‌های ضبط شده در سه بافت زبانی مذکور به نگارش درآمدند، که در این راستا حدود ۱۰۰۰ عبارت حاصل شد. سپس نگارندگان مقاله، بر اساس مبانی چارچوب نظری پژوهش و به مدد شمّ زبانی و مطالعات کتابخانه‌ای، نزدیک به ۱۲۲ عبارت استعاری از میان ۱۰۰۰ عبارت نگاشته شده، استخراج کردند. در نهایت عبارات استعاری جهت تطبیق با تقسیم بندی‌های لیکاف (۱۹۸۰) از استعاره و تعیین میزان بسامد وقوع آنها در گفتار دانشجویان مورد نظر، در چارچوب نظری تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج ارزنده‌ی حاصل گردید.

۵. تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، برپایه‌ی رویکرد زبان شناختی نظریه‌ی معاصر استعاره، که یک حوزه‌ی مفهومی بر اساس حوزه‌ی مفهومی دیگر فهمیده می‌شود، به شیوه‌ی علمی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش میدانی، داده‌های پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته

اند که در این اینجا به تناسب ظرفیت و تأمین هدف مقاله تنها تعدادی از داده های آن پژوهش مفصل که مقاله‌ی حاضر از آن اقتباس شده است، آورده شده است.

نمونه‌ی اول: یکی از نگاشت‌های استعاری که در گفتار نمونه‌ی آماری پژوهش، به عنوان الگوی تولید جملات استعاری دیگری قرار گرفته است، نگاشت استعاری «**دل، مکان است**». که تحقق چندین عبارت استعاری را در گفتار دانشجویان مورد نظر در پی داشته است :

- دلم حسابی تنگ شده. (بافت سوم)

- هیچ چیزی تو دلم نیست. (بافت سوم)

- در دلم جا داری. (بافت سوم)

گفتنی است که در همه‌ی جملات استعاری فوق مفهوم انتزاعی «دل» به عنوان حوزه‌ی مقصد از طریق مفهوم محسوس «مکان» درک می‌شود.

نمونه‌ی دوم: نگاشت استعاری دیگر «**دل انسان است**». نیز تحقق عبارات استعاری متعددی را در گفتار جامعه‌ی آماری پژوهش ممکن ساخته است :

- دلم هزار راه رفت. (بافت سوم)

- دلش را راضی کن. (بافت سوم)

در این دو جمله نیز مفهوم «دل» به عنوان حوزه‌ی مقصد بر پایه‌ی مفهوم عینی و ملموس «انسان» فهمیده می‌شود.

نمونه‌ی سوم: همچنین نگاشت استعاری «**انسان به مثابه سیستم (ماشین) است**». نیز پاره‌ای از عبارات استعاری را در گفتار دانشجویان مورد نظر به وجود آورده است :

- سیم هاش حسابی قاطی شده. (بافت سوم)

- دوهزاریت جا نیفتاد. (بافت سوم)

- ...گیرپاژ کردیم. (بافت سوم)

در همه‌ی جملات استعاری فوق حوزه‌ی مقصد «انسان» بر پایه‌ی حوزه‌ی مبدا «ماشین» برای گویشوران قابل درک شده است. بدین گونه فرایند شناختی استعاره به عنوان زیرساخت در تولید جملات روزمره‌ی گویشوران، نقش بسزایی دارد.

نمونه‌ی چهارم: نگاشت استعاری «دل، آینه است.» سبب تحقق این عبارات استعاری در گفتار دانشجویان مورد نظر پژوهش شده است :

- دلم خیلی زنگار گرفته. (بافت سوم)

- دلم شکست. (بافت سوم)

- آدم دل صافیه. (بافت سوم)

نمونه‌ی پنجم: همچنین در بررسی و تحلیل داده های زبانی، معلوم شد که دانشجویان مورد نظر پژوهش از نگاشت های استعاری «زمان به مثابه مکان» در ادای برخی از عبارات استعاری استفاده کرده اند :

- حالا کو تا اعلام نتیجه. (بافت اول)

در این عبارت مفهوم زمان به مثابه نقطه (مکان) ثابتی فرض شده است که گوینده در حال حرکت به سوی آن نقطه یا مکان است. به عبارت دیگر، زمان اعلام نتیجه‌ی امتحانات در قالب یک مکان که دانشجویان مورد نظر در حال رسیدن به آن هستند به صورت استعاری، مفهوم سازی شده است.

- استاد ببخشید! تا پایان ترم چیزی دیگه نمونده (بافت دوم)

- در آینده ای نه چندان دور، همه ی مشکلات حل می شه. (بافت سوم)

- اون روزا دیگه گذشت. (بافت سوم)

نمونه‌ی ششم: اگرچه لیکاف وجود استعاره‌ی «زمان به مثابه مکان» را بر دو وجه می داند که در حالت نخست فرد ثابت و زمان نسبت به او در حرکت است و در حالت دوم برعکس، زمان به مثابه‌ی نقطه‌ی ثابت در مکانی فرض شده و فرد نسبت به آن در حرکت است اما حالت سومی که در آن «هم فرد و هم زمان در یک جهت در حال

حرکت اند ولی زمان بر فرد پیشی گرفته است» نیز در گفتار جامعه‌ی آماری تحقیق در قالب این عبارت «از زندگی عقب مُوندیم» پدید آمده است.

نمونه‌ی هفتم: نگاشت استعاری «مشکلات موانعی بر سر راه حرکت هستند.» سبب

تولید جملات دیگری در بافت‌های سه‌گانه شده است:

- عجب مصیبتی گرفتار شدیم! (بافت اول)

- استاد! اگه ممکنه سؤالات را طوری طرح کنید که نیفتیم. (بافت دوم)

- مقررات خوابگاه دست و پامونو بسته. (بافت سوم)

این جملات همگی بر پایه‌ی این تصور بنا شده‌اند که انسان در برخورد فیزیکی با یک سد یا مانع (مشکل) عملاً تجربیاتی کسب می‌نماید که همین تجربیات یک ساخت شناختی از این نوع در ذهن او بوجود می‌آورد و او را قادر می‌سازد تا تجربیات خود را در برخورد با مفاهیم انتزاعی که چنین ویژگی‌های را ندارند بکار گیرد و از این طریق یک ساخت استعاری تولید نماید.

نمونه‌ی هشتم: در مکالمات گویشوران، نگاشت استعاری «وقت، طلا (پول) است.»

چندین جمله‌ی استعاری را در گفتار گویشوران نمونه‌ی آماری تحقیق سبب شده است:

- بابا جون کُلی، وقت صرفش کردیم. (بافت اول)

- بیخودی وقت هدر نده. (بافت سوم)

- وقتو از دست دادیم. (بافت سوم)

پایه‌ی تولید جملات فوق نگاشت «وقت، طلا (پول) است» می‌باشد که جنبه‌ی همگانی دارد و در ذهن اکثر گویشوران زبان‌های مختلف دنیا وجود دارد. در ذهن گویشوران فارسی زبان نیز این نگاشت به صورت «وقت کالای با ارزشی است» سبب تحقق جملات زیادی در زبان فارسی شده است.

بر این اساس ساختار مفهومی جملات تولید شده توسط گویشوران بر پایه‌ی نگاشت فوق به این صورت است که گویشوران فارسی زبان نمونه‌ی آماری پژوهش مفهوم انتزاعی

«وقت» در حوزه‌ی مقصد را از طریق مفهوم محسوس و تجربی «پول یا کالای با ارزش» فهمیده و در گفتار خود به کار برده اند.

نمونه‌ی نهم: نگاشت استعاری «اعمال قابل انتقال هستند.» زمینه‌ی تولید جملات استعاری زیر را در بافت دوم تحقیق در تعامل دانشجویان با استاد خود و در محیط کلاس فراهم ساخته است:

- استادجان! مطلبو گرفتیم.

- منظور منو گرفتید؟

- امیدوارم همین نکته را تو امتحان پایانی به من پس بدین!

جملات استعاری فوق که در تعامل دانشجویان و استاد در محیط کلاس به وقوع پیوسته است، نشانگر این واقعیت است که گویشوران فارسی زبان، حوزه‌ی مفاهیم انتزاعی «مطلب» و «منظور» را از طریق حوزه‌ی مفاهیم ملموس و عینی «چیزهای قابل نقل و انتقال» دریافته اند و در ذهن خویش مفهوم سازی کرده اند.

نمونه‌ی دهم: و بالاخره نگاشت استعاری «ذهن، ماشین است.»، زمینه‌ی تحقق چندین جمله‌ی استعاری را در گفتار نمونه‌ی آماری پژوهش، به وجود آورده است.

- مخم از کار افتاد. (بافت اول)

- استاد بیخشید، دیگه مخمون نمی کشه. (بافت دوم)

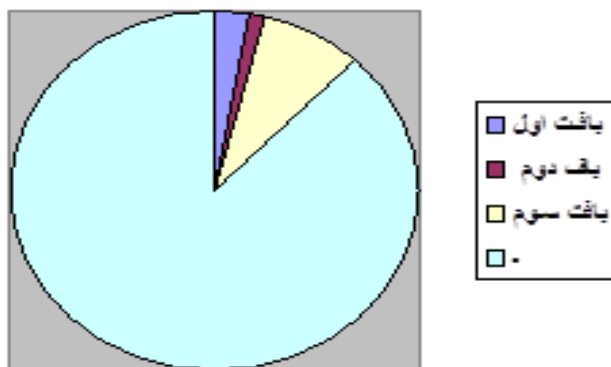
- ذهنش خوب کار میکنه! (بافت سوم)

در این جملات استعاری، ویژگی‌های پدیده‌ی عینی و ملموس «ماشین» در حوزه‌ی مفهومی مبدأ به حوزه‌ی مقصد؛ یعنی ذهن آدمی نگاشت یافته است. و بر اثر این پرتو افکنی مفهوم «ذهن» در قالب مفهوم «ماشین» در مکالمات گویشوران نمونه‌ی آماری پژوهش، به شیوه‌ی محسوسی قابل ادراک شده است. در پایان باید گفت که استعاره‌های مفهومی (شناختی) در گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی زبان در نتیجه‌ی درک مفاهیم

انتزاعی بر پایه‌ی مفاهیم عینی بر پایه‌ی تجارب خاصّ روزمره‌ی زندگی گویشوران، شکل گرفته‌اند. در راستای تبیین بیشتر یافته‌های پژوهش، اشکالی به پیوست ارائه می‌گردد.

شکل شماره (۱) میزان وقوع گفتار استعاری (۱۲۲ جمله) در بافت‌های سه‌گانه‌ی تحقیق به نسبت کل گفتار ضبط شده نمونه‌ی آماری تحقیق (۱۰۰۰۰ داده‌ی زبانی)

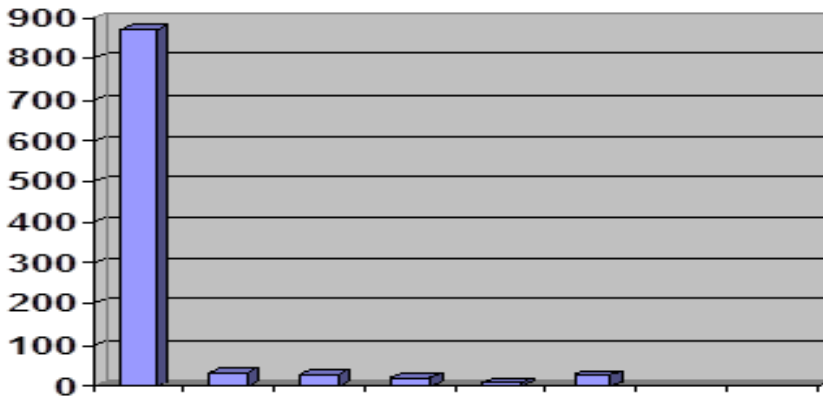
بافت اول ۲/۹٪ بافت دوم ۱/۱٪ بافت سوم ۸/۲٪



همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین ساختارهای استعاری گفتار دانشجویان، در بافت سوم که جوّ حاکم بر آن صمیمانه و روابط میان دانشجویان غیر رسمی است، وقوع یافته است.

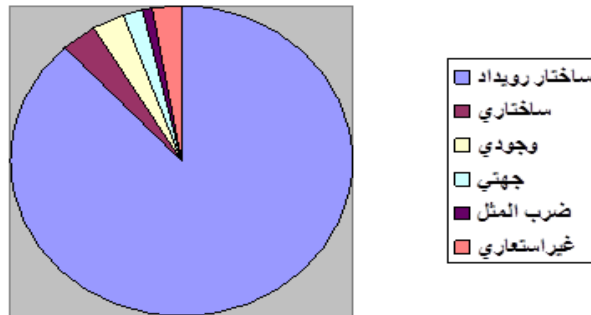
شکل شماره (۲) وقوع انواع استعاره‌ها با بسامدهای متفاوت در کل گفتار ضبط شده‌ی جامعه‌ی آماری پژوهش

استعاره‌ی ساختار رویداد ۳/۳٪ استعاره‌ی وجودی ۲/۷٪ ضرب المثل ۲/۴٪
 استعاره‌ی ساختاری ۳٪ استعاره‌ی جهت‌ی ۰/۸٪



بر اساس این شکل، استعاره‌های ساختار رویداد به نسبت دیگر انواع استعاره‌ها بیشترین بسامد وقوع را در گفتار جامعه‌ی آماری پژوهش داشته‌اند.

شکل شماره (۳) وقوع انواع استعاره‌ها با بسامدهای متفاوت در کل گفتار ضبط شده‌ی جامعه‌ی آماری پژوهش



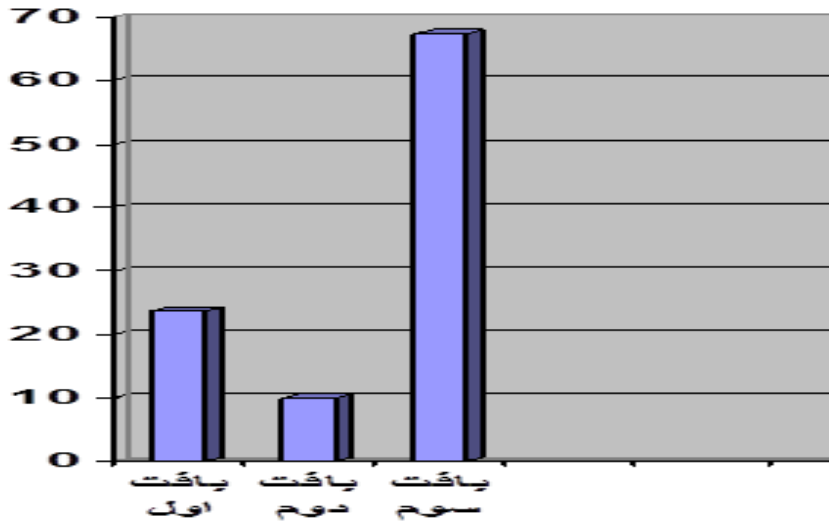
شکل فوق، بیانگر بسامد وقوع انواع استعاره‌های مفهومی در گفتار جامعه آماری تحقیق بر اساس تقسیم بندی‌های لیکاف (۱۹۸۰) است.

نمودار شماره (۴) میزان وقوع گفتار استعاری (۱۲۲ عبارت) جامعه‌ی آماری تحقیق در بافت های سه گانه‌ی مورد نظر به نسبت کل گفتار استعاری آنان

بافت سوم ۶۷/۳

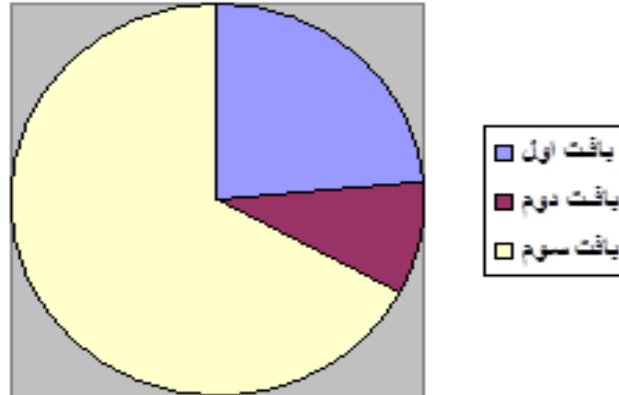
بافت دوم ۰/۹

بافت اول ۲۳/۷



در شکل شماره‌ی (۴)، تأثیر بافت زبانی در تولید گفتاری استعاری به خوبی نمایان شده است، به گونه‌ای که در بافت زبانی سوم به دلیل حاکمیت جوّ دوستانه، گفتار استعاری بیستری توسط جامعه‌ی آماری تحقیق تولید شده است.

شکل شماره (۵) میزان وقوع گفتار استعاری (۱۲۲ عبارت) جامعه‌ی آماری تحقیق در بافت های سه گانه‌ی مورد نظر به نسبت کل گفتار استعاری آنان



این شکل نیز میزان تأثیر بافت های زبانی را در تولید گفتار استعاره‌ی گویشوران، در نمایی دیگر روشن ساخته است. بر این اساس بیشترین میزان تولید جملات استعاره‌ی توسط گویشوران در بافت سوم پژوهش بوده است.

نتیجه گیری

با تحلیل داده های این پژوهش بر اساس مبانی نظریه‌ی معاصر استعاره (۱۹۹۲) و تقسیم بندی های لیکاف از استعاره های مفهومی (۱۹۸۰) نتایج مهمی حاصل شد؛ از جمله این که معلوم شد، بخش قابل توجهی از گفتار روزمره‌ی گویشوران فارسی زبان جامعه‌ی آماری پژوهش، استعاره‌ی است؛ به طوری که از مجموع گفتار ضبط شده‌ی دانشجویان مورد نظر، در مدت ۳۰ ساعت که در قالب ۱۰۰۰ عبارت به نگارش درآمده بود، در حدود ۱۲۲ عبارت، استعاره‌ی استخراج گردید. یعنی در حدود ۱۲/۲ درصد از کل گفتار جامعه‌ی آماری تحقیق، استعاره‌ی بوده است. همچنین مطابق تقسیم بندیهای لیکاف از استعاره (۱۹۸۰) انواع استعاره های مفهومی از قبیل استعاره های جهت، استعاره های وجودی و استعاره های ساختاری در گفتار استعاره‌ی جامعه‌ی آماری پژوهش به کار رفته

است. بر همین اساس می‌توان گفت که کاربرد انواع استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی مطابق دیدگاه لیکاف، قابل تأیید است. به گونه‌ای که استعاره‌ی ساختار رویداد بالاترین بسامد را داشته است و از آنجایی که جامعه‌ی آماری مورد نظر، بیشتر مفاهیم خود را از طریق استعاره‌ی ساختار رویداد بیان کرده‌اند، سخن لیکاف در خصوص جهانی بودن این نوع استعاره در مورد زبان فارسی تأیید می‌شود. در ادامه، مشخص گردید، با توجه به این که کاربرد ضرب المثل‌ها و یا اصطلاحات تأثیر بسزایی بر مخاطب گذاشته و انتقال مطلب را آسان‌تر می‌کند، دانشجویان مورد نظر نیز به نحو چشمگیری از این گونه مقولات زبانی بهره‌گرفته‌اند، این مسأله در مورد گویشوران فارسی زبان نیز قابل تعمیم است. در نهایت مشخص شد که بافت زبانی، تأثیری مستقیم بر کاربرد استعاره در گفتار دارد. به عبارت دیگر؛ هر چه بافت جنبه‌ی رسمی تری داشته باشد کاربرد استعاره در گفتار کمتر می‌شود و بالعکس هر چه بافت جنبه‌ی غیر رسمی پیدا کند، کاربرد استعاره بیشتر می‌شود. در پژوهش حاضر، کاربرد استعاره در بافت سوم به دلیل حاکمیت جو صمیمانه بیشتر بوده است. این در حالی است که کمترین کاربرد استعاره مربوط به بافت دوم بوده است، چرا که در این بافت روابط بسیار رسمی و مراعات منزلت مخاطب سبب شده است تا گفتار بیشتر جنبه‌ی تحت الفظی داشته باشد.

منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- ابودیب، کمال، (۱۳۷۰)، طبقه‌بندی استعاره‌ی جرجانی با اشاره‌ی خاص به طبقه بندی ارسطو، ترجمه‌ی علی محمدحقیق شناس، مقالات ادبی، زبان‌شناختی، تهران: نیلوفر.
- ۲- پورابراهیم، شیرین، (۱۳۸۸)، بررسی زبان‌شناختی استعاره در قرآن: رویکرد نظریه‌ی معاصر استعاره، گروه زبان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳- شمیا، سیروس، (۱۳۸۲)، نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس.

- ۴- کردز عفرانلو کامبوزیا ، عالیه و حاجیان ، خدیجه ، (۱۳۸۹) ،
 استعاره‌های جهتی قرآن بارویکرد شناختی ، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی نقد ادبی ، (۱۳۸۹) ،
 ش ۳ ، صص ۱۱۵-۱۳۹ .
- ۷- لیکاف ، جورج ، (۱۹۹۲) ، نظریه‌ی معاصر استعاره ، استعاره ؛ معنای تفکر و ابزار زیبایی
 آفرینی ، به کوشش فرهاد ساسانی ، تهران : سوره‌ی مهر .
- ۸- مشعشعی ، پانته‌آ ، (۱۳۸۰) ، استعاره در زبان فارسی ،
 پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
 طباطبایی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی .
- ۵- یوسفی‌راد ، فاطمه ؛ گلفام ، ارسلان ، (۱۳۸۱) ، زبان‌شناسی شناختی و استعاره ، مجله‌ی تازه
 های علوم شناختی ، شماره‌ی ۱۵ ، صص ۵۹-۶۴ .
- ۹- یوسفی‌راه ، فاطمه ، (۱۳۸۲) ، بررسی استعاره زمان در زبان فارسی ، پایان‌نامه‌ی
 کارشناسی ارشد زبان‌شناسی ، دانشگاه تربیت مدرس .

ب. منابع انگلیسی

- ۱۱- Bréal, Michel. (۱۸۸۴). How Words are Organized in the Mind, The Beginnings of Semantics: Essays, Lectures and Reviews. Comp. G. Wolf. Oxford: Duckworth. PP. ۱۴۵-۱۵۱
- ۱۲- Ortony: A. (ed). (۱۹۷۹), Metaphor and thought, Cambridge: Cambridge university press.
- ۱۳- Lakoff. G. and mark Johnson, (۱۹۸۰), Metaphors we Live By, Chicago: university of Chicago press.
- ۱۴- Lakoff. G, (۲۰۰۳), After wards of Metaphor We Live by, unpublished article California: university of California at Berkeley.

۱۵- Lakoff, G.(۱۹۹۲), The contemporary theory of Metaphor, in Andrew ortony (ed). ۱۹۹۲. Metaphor and thought. Cambridge university press.